

روایتی از دست‌هایی که بی‌منت پیش از مهر به یاری دانش‌آموزان می‌آیند

مهری که باید با حفظ آبرو باشد

■ محبوبه قربانی

مهر که نزدیک می‌شود، برای بسیاری از خانواده‌ها فهرست خرید مدرسه دوباره روی میز قرار می‌گیرد؛ کیف، کفش، دفتر، مداد، لباس مدرسه و هزینه‌هایی که هر سال بیشتر از قبل خود را به خانواده‌ها تحمیل می‌کنند. برای بعضی خانواده‌ها، خرید این وسایل بخشی از هیجان شروع سال تحصیلی است و برای برخی دیگر، حساب و کتاب دشواری است که ممکن است حتی به کنار گذاشتن بخشی از نیازهای فرزندشان منجر شود. در چنین شرایطی، خیران و مؤسسات خیریه تلاش می‌کنند بخشی از این فشار را کاهش دهند، اما کار خیر فقط رساندن یک بسته لوازم‌التحریر به دست یک دانش‌آموز نیست. گاهی مهم‌تر از آن، این است که کمک چگونه انجام شود، بدون منت، بدون تبلیغ و مهم‌تر از همه، بدون خدشه‌دار کردن آبروی کسی که کمک دریافت می‌کند.

حاج حبیب‌الله نیکنام، مدیرعامل مؤسسه خیریه بنیاد فجر، حدود ۴۰ سال است که در این مسیر خیر فعالیت می‌کند. مؤسسه‌ای که تحت مدیریت ایشان است، علاوه بر فعالیت برای تأمین پوشاک سال نو دانش‌آموزان و خانواده‌های کم‌بضاعت در هنگام عید نوروز و همچنین تأمین لوازم‌التحریر برای دانش‌آموزان در مهرماه، حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ خانواده را نیز تحت پوشش دارد و به آنها مستمری ماهانه پرداخت می‌کند و در کنار آن، نیکنام با یک کمپ ترک اعتیاد نیز در حد امکان و توان همکاری دارد و به آنها کمک می‌کند. با این حال، خودش اصرار دارد عنوان «خیر» را به خود ندهد. می‌گوید آنچه انجام می‌دهد، حاصل توان شخصی او نیست. خداوند فرصتی در اختیارش گذاشته تا واسطه‌ای برای رساندن کمک به دیگران باشد. او درباره نگاهش به کار خیر می‌گوید: «کسی که می‌خواهد مهربانی کند، لذت را اول خودش می‌برد. این هم توفیق می‌خواهد، یعنی اگر کسی بتواند به کسانی که نیازمند هستند و دستشان به جایی نمی‌رسد، مهربانی کند، خدا می‌گوید این عزیزی که من در این مسیر گذاشته‌ام آدم خوبی است و تا جایی که ظرفیت و جنبه‌اش را داشته باشد، به او بیشتر می‌دهم».

به گفته‌ او، هر کس به شکلی مورد آزمایش قرار می‌گیرد؛ یکی با مال، دیگری با سلامت، فرزند خوب یا امکاناتی که در اختیارش قرار گرفته است. خوشبخت کسی است که «دست دهنده» داشته باشد و بتواند بخشی از آنچه به او داده شده، به دیگری برساند.

چهار فصل برای حمایت و همدلی

فعالیت این مجموعه به مهر محدود نمی‌شود. نیکنام از چهار برنامه و طرح اصلی در طول سال نام می‌برد: در عیدانه، هدف این است که خانواده‌ای شب عید شرمند فرزندش نباشد. برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها کارت تهیه لباس سال نو در نظر گرفته می‌شود و هر فرد می‌تواند سه تکه لباس، شامل شلوار، پیراهن و کفش تهیه کند. لباس‌ها برای زنان و مردان و گروه‌های سنی مختلف فراهم می‌شود. در ماه رمضان سبد معیشتی کالا توزیع می‌شود و در طرح زمستانه نیز برنامه تهیه پوشاک گرم اجرا می‌شود، اما در همه این برنامه‌ها یک اصل ثابت وجود دارد: «حفظ کرامت و عزت انسان نیازمند».

نیکنام درباره اصل کار خیر می‌گوید: «کار خیر باید بی‌منت باشد. نباید مبلغ ناچیزی را که به کسی می‌دهی در مقابل، آبروی او را ببری. نباید جهیزیه‌ای تهیه کنی و بعد آن را جار بزنی. اگر کاری انجام دادی، باید به گونه‌ای باشد که این دست بدهد و آن دست نفهمد».

برای او گمنامی بخشی از همین نگاه است. معتقد است وقتی خداوند امکان کمک کردن را در اختیار انسان قرار می‌دهد، قرار نیست فرد این کار برای خود اعتبار و تبلیغ بسازد.

کمک، بدون شرمندگی

شاید یکی از ملموس‌ترین نمونه‌های این نگاه را بتوان در نحوه تهیه پوشاک سال نو دید. خانواده نیازمند قرار نیست بسته‌ای را که دیگران برایش انتخاب کرده‌اند تحویل بگیرد و برود. او وارد فروشگاه کاملاً حرفه‌ای و استاندارد می‌شود و خودش لباس مورد نیازش را انتخاب می‌کند. از لباس‌های زنانه و مردانه تا لباس‌های مناسب سنین مختلف. نیکنام درباره این شیوه می‌گوید: «اگر می‌خواهید کمکی کنید، آبروی مردم را حفظ کنید. فکر کنید فرد دریافت‌کننده کمک، خواهر، برادر یا مادر شماست. یادمان باشد، زندگی سربالایی و سربالایی دارد و این طور نیست که همیشه در اوج باشید.» او توضیح می‌دهد که حتی در هنگام ارائه کمک، تلاش می‌کنند فرد احساس نکند برای دریافت آن باید شأن و کرامت انسانی خود را کنار بگذارد. خانواده می‌تواند وارد فروشگاه شود و لباس مورد نیاز خود را انتخاب کند، چراکه به باور او کمک نباید با تحقیر یا شرمندگی همراه شود.

چند هزار بسته برای دانش‌آموزان در مهرانه

حالا با نزدیک شدن به مهر، نوبت به طرح «مهرانه» می‌رسد. برنامه‌ای که در سال جاری قرار است حدود چند هزار بسته لوازم‌التحریر شامل کیف، دفتر و ملزومات مورد نیاز دانش‌آموزان تهیه و توزیع کند. این بسته‌ها با کمک خیران فراهم می‌شود. یک خیر ممکن است هزینه ۱۰ بسته را تأمین کند و دیگری برای ۵۰ یا ۱۰۰ بسته بانی شود. دانش‌آموزان نیازمند نیز از مسیرهایی مانند آموزش و پرورش تهران و شهرستان‌های اطراف شناسایی می‌شوند. بخشی از کمک‌ها نیز به استان‌ها و مناطق محرومی مانند سیستان و بلوچستان، لرستان و خراسان جنوبی می‌رسد و توزیع آنها از سوی افراد مورد اعتماد در همان مناطق انجام می‌شود.

مدیرعامل بنیاد خیریه فجر می‌گوید: هدف آنها فقط تهیه کیف و دفتر نیست. اگر خانواده‌ای توان پرداخت هزینه ثبت‌نام و تحصیل فرزندش را نداشته باشد، تلاش می‌شود در این زمینه نیز کمک شود. دانش‌آموزانی که استعداد دارند و ممکن است به دلیل مشکلات مالی از ادامه تحصیل باز بمانند نیز حمایت می‌شوند تا بتوانند در شان ادامه دهند و به رشته‌ها و مقاطع بالاتر برسند. تهیه کفش و لباس ورزشی برای برخی دانش‌آموزان واجد شرایط نیز در برنامه حمایتی قرار دارد. او می‌گوید: «هر کاری که در رابطه با تحصیل بچه‌ها بتوانیم انجام دهیم، انجام می‌دهیم. اگر دانش‌آموزی به دلیل نداشتن پول نمی‌تواند ثبت‌نام کند تا جایی که بتوانیم کمکش می‌کنیم. اگر دانش‌آموزی استعداد داشته باشد، کمک می‌کنیم درش را ادامه بدهد و به رشته‌های بالاتر برسد.» سال گذشته نیز حدود هزار بسته آموزشی به منطقه عشایر نشین اندیکا در شمال خوزستان ارسال شد؛ اقدامی که نشان می‌دهد مسیر کمک‌ها فقط به مناطق شهری و خانواده‌های شناخته‌شده محدود نمی‌شود.

وقتی کمک، پایان راه نیست

در نگاه نیکنام، کمک مالی اگر به وابستگی دائمی منجر شود، همه مسئله را حل نمی‌کند. او تأکید می‌کند که باید «ماهی گرفتن» را به خانواده‌ها یاد داد. او می‌گوید: «باور من بر این است که اینها را مشغول کار کنیم و



ماهی گرفتن را به آنها یاد بدهیم. اگر قرار باشد هر ماه فقط کمک بگیرند، هیچ کدام از این خانواده‌ها راضی نیستند که بیایند و سرشان را خم کنند و کمک بگیرند. ما سعی می‌کنیم برای اینها ایجاد شغل کنیم و آنها را مشغول کار کنیم.» به همین دلیل، یکی از محورهای فعالیت این مجموعه، ایجاد اشتغال برای خانواده‌های تحت پوشش است. اگر مرد خانواده بیکار باشد، تلاش می‌کنند زمینه‌ای برای کار او پیدا کنند و برای زنانی که امکان اشتغال دارند نیز به دنبال کار آبرومندانه هستند. این نگاه در مورد خانواده‌هایی که با آسیب اعتیاد مواجه شده‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نیکنام با یک کمپ ترک اعتیاد نیز همکاری دارد. وی می‌گوید در این مراکز تلاش می‌شود افراد در کنار ترک، مهارت و مدرک تحصیلی هم به دست بیاورند تا پس از خروج بتوانند حرفه‌ای داشته باشند و دوباره به جامعه بازگردند. او درباره این بخش از فعالیت‌شان می‌گوید: «ما در کمپ‌هایی که همکاری داریم، برای این افراد مدرک و مهارت فراهم می‌شود تا اگر از کمپ بیرون آمدند، یک حرفه داشته باشند. مثلاً جو شکاری یاد گرفته باشند. چون این افراد وقتی برای یادگیری متأسفانه جامعه با نگاه بد به آنها نگاه می‌کند. اگر کاری نداشته باشند، ممکن است دوباره به همان شرایط برگردند و زن و بچه آنها هم آواره شوند.» به باور نیکنام، مشکل تنها ترک اعتیاد نیست. فردی که از کمپ خارج می‌شود، ممکن است با نگاه منفی جامعه مواجه شود و اگر شغلی نداشته باشد، دوباره در معرض آسیب قرار گیرد. در این میان، خانواده او و به‌ویژه فرزندانش نیز آسیب می‌بینند. به همین دلیل است که از نگاه او اگر قرار است خانواده‌ای تحت حمایت قرار بگیرد، باید تا حد امکان «صفر تا صد» مشکلات آن بررسی و برای حل آنها تلاش شود.

قصه یک بچه‌ال و اعتمادی که ادامه دارد

در میان روایت‌های نیکنام از کار خیر، داستان یک خانواده و یک بچه‌ال شنیدنی است. او تعریف می‌کند زمانی که در بیمارستان بستری بوده، خانمی با دو فرزند برای کمک مراجعه می‌کنند. خانواده بچه‌ال نداشته و گرمای هوا شرایط را برای آنها سخت کرده بود. نیکنام می‌گوید: «آن خانم گفت که خیلی گرفتار است و دو بچه دارد و در این گرما بیخچال ندارد و می‌خواهد بیخچال بخرد. من شماره تلفنش را گرفتم



و گفتم چند دقیقه دیگر به او خبر می‌دهم.» او در ادامه روایت می‌کند که همان زمان یکی از خیران خارج از کشور با او تماس می‌گیرد و مبلغی را برای کمک در اختیارش می‌گذارد؛ مبلغی که دقیقاً به اندازه هزینه خرید بیخچال مورد نیاز آن خانواده بوده است. نیکنام این اتفاق را نمونه‌ای از اعتمادی می‌داند که در طول سال‌ها فعالیت خیرخواهانه تجربه کرده است و می‌گوید: «من همیشه می‌گویم خدا یا خودت کمک کن. آن روز هم همین اتفاق افتاد و دیدم پول بیخچال را برام فرستادند. می‌گویم اگر مشتت را ببندی، خدا به تو نمی‌دهد، اما اگر دست باز باشد، خدا از در و دیوار برایت می‌رساند. فقط دل می‌خواهد، جرأت می‌خواهد و توفیق می‌خواهد.»

۴۰۰ خیر؛ شبکه‌ای از اعتماد خیران و داوطلبان

حدود ۴۰۰ خیر و داوطلب همیار با این مجموعه همکاری دارند. نیکنام دلیل این اعتماد را در سال‌ها فعالیت بی‌سروصدا و امانتداری می‌داند. او می‌گوید: «۴۰ سال است که ما داریم این کار را انجام می‌دهیم. خیر الکی خیر نیست، او توانایی دارد. می‌آید، می‌بیند و خودش تحقیق می‌کند. خیلی‌ها گمنام می‌آیند و پوشاکی می‌بینند که ما چگونه این کار را انجام می‌دهیم.» به گفته او، بسیاری از خیران می‌خواهند مطمئن باشند کمک‌ی که کرده‌اند، واقعاً به خانواده نیازمند رسیده است. نیکنام خود را صاحب این کمک‌ها نمی‌داند و می‌گوید: «وقتی یک خیر به من کمک می‌کند، من باید آن را به یک خانواده دیگر برسانم. من خودم را واسطه می‌دانم. این پول و کمک، امانت است و نباید در این امانت خیانت کرد.»

او معتقد است اعتماد خیران نتیجه سال‌ها فعالیت بی‌سروصداست و می‌گوید: «ما دنبال تبلیغات نیستیم و در کار اقتصادی هم ورود نمی‌کنیم. وقتی یک خیر کمک می‌کند، ما کمک او را به نیازمندی می‌رسانیم.» در طول این سال‌ها نیز خوشبختانه تعداد خیران همکار افزایش پیدا کرده است. نیکنام البته آرزوی دیگری دارد و اینکه روزی بایاد و تعداد خانواده‌های نیازمند کمتر شود و اصلاً سفره کم‌کمر رسانی به این بزرگی لازم نباشد.

تجربه زندگی و نگاه به آبروی مردم

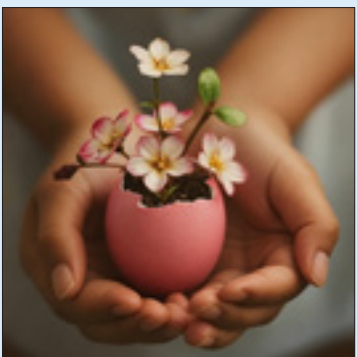
بخشی از نگاه نیکنام به خانواده‌های نیازمند، به تجربه شخصی خودش از زندگی بازمی‌گردد. او از سال‌هایی می‌گوید که نسل قدیم، فرزندان را به کار و یادگیری حرفه تشویق می‌کردند. تجربه‌ای که باعث شده امروز سختی زندگی و ارزش پول و کار را بهتر درک کند. او می‌گوید: «قدیم‌ترها پدرها ما را مجبور می‌کردند برویم کار کنیم و شادگرد فلانی شویم. زحمت می‌کشیدیم و سختی می‌دیدیم و قدر پول را می‌دانستیم. من آن سختی‌ها را کشیدم و امروز می‌فهمم وقتی یک نفر می‌آید و از مشکلات می‌گوید، چه شرایطی دارد.» او در مواجهه با خانواده‌هایی که با اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی درگیرند نیز تلاش می‌کند نگاهش فقط به فرد گرفتار محدود نباشد و کودکان و اعضای خانواده را هم ببیند. نیکنام تأکید می‌کند: «بیشتر از همه باید مواظب دختر و پسر این خانواده‌ها باشیم؛ چون بچه‌ها پدر و مادرشان را الگو قرار می‌دهند.»

خیر، فقط پول نیست

در این‌ن زنجیره، تنها خیران مالی حضور ندارند. تولیدکنندگان و صاحبان کارگاه‌ها نیز گاهی بخشی از محصول. زمان با توان کاری خود را به کار خیر اختصاص می‌دهند. نیکنام از تولیدکنندگانی می‌گوید که بخشی از زمان کاری خود را بدون دریافت دستمزد برای کار خیر اختصاص می‌دهند و برخی نیز محصولات خود را با قیمت پایین‌تر در اختیار مؤسسه قرار می‌دهند. او می‌گوید: «ما مردم خوبی داریم و آدم‌های خوبی هستند که در کار خیر کم نمی‌گذارند. یک تولیدکننده ممکن است بگوید این محصول برای خودم اینقدر تمام شده، اما بخشی از آن را به نیت پدرم یا برای کار خیر با قیمت پایین‌تر می‌دهم. ما خیلی از این صحنه‌ها را دیده‌ایم.» در کنار این، برخی تولیدکنندگان به خانواده‌های نیازمند فرصت اشتغال می‌دهند. به این ترتیب، کار خیر می‌تواند از یک کمک مالی آغاز شود، اما به اشتغال، مهارت‌آموزی و استقلال اقتصادی برسد.

از تهران تا اندیکا

بخشی از تصویر این فعالیت را می‌توان در روایتی از یک منطقه عشایر نشین در شمال خوزستان دید. زمانی که تعدادی از بسته‌های آموزشی این مجموعه به شهرستان اندیکا رسید. با آقای عالیوند، یکی از مسئولان آموزش و پرورش منطقه تماس گرفتیم. او درباره کمک‌های دریافت‌شده در سال‌های گذشته توضیح می‌دهد که حدود هزار و ۳۰۰ پکیج آموزشی از سوی خیران به منطقه رسیده و قرار بوده این بسته‌ها متناسب با محرومیت موجود، به‌شکل عادلانه میان دانش‌آموزان عشایری توزیع شود. او با قدردانی از خیران می‌گوید: «به توفیق الهی و همت خیران و یارگران شهرستان اندیکا، حدود هزار و ۳۰۰ پکیج آموزشی دریافت شد که متناسب با محرومیت در منطقه بود. این بسته‌ها عادلانه بین دانش‌آموزان عزیز



کار خیر باید بی‌منت باشد. اگر کاری انجام دادید، باید به گونه‌ای باشد که این دست بدهد و آن دست نفهمد و وقتی خداوند امکان کمک کردن را در اختیار انسان قرار می‌دهد، قرار نیست فرد با این کار برای خود اعتبار و تبلیغ بسازد

عشایر توزیع شد.» این مقام مسئول منطقه همچنین بر ادامه حمایت از دانش‌آموزان عشایر تأکید می‌کند و از خیران می‌خواهد یاریگر دانش‌آموزان این مناطق باشند.

مسئله مناطق عشایری تنها کمبود لوازم‌التحریر نیست. در همان گفت‌وگوی تلفنی، از ظرفیت‌های اقتصادی این مناطق نیز صحبت شد. از راه‌اندازی کارگاه‌های کوچک و زودبازده گرفته تا توسعه دامپروری، کشاورزی و گردشگری با توجه به طبیعت بکر و ظرفیت‌های جغرافیایی منطقه. به گفته عالیوند بکر با برنامه‌ریزی و نگاه ویژه به اشتغال می‌توان از ظرفیت‌های عشایر در حوزه دامپروری، کشاورزی و گردشگری استفاده و به رونق اقتصادی این خانواده‌ها کمک کرد. این نگاه، بار دیگر همان حلقه‌ای را کامل می‌کند که نیکنام در صحبت‌هایش بر آن تأکید می‌کند: «کمک باید در نهایت به توانمند شدن خانواده و ساختن آینده منجر شود.»

می‌خواهم بزرگ شوم و به مردم کمک کنم

شاید هیچ آماری به اندازه صدای خود دانش‌آموزان نتواند نتیجه چنین کمک‌هایی را نشان دهد. در روایتی از دانش‌آموزان عشایری، یکی کلاس چهارم بود و دیگری سوم. وقتی از آنها درباره کتاب و مدرسه پرسیده شد، یکی از دانش‌آموزان شعری درباره «بار مهربان» خواند و از علاقه‌اش به کتاب و خواندن گفت، اما پاسخ یکی از دانش‌آموزان، پایان متفاوتی ساخت. وقتی از او پرسیدم در آینده دوست داری چه کاره شوی، پاسخ می‌دهد: «می‌خواهم بزرگ شوم و به مردم کمک کنم.»

شاید همین جمله کوتاه، معنای تمام این زنجیره را در خود داشته باشد. کودکی که امروز با یک کیف و بسته آموزشی راهی مدرسه می‌شود، از همین حالا رؤیای کمک به دیگری را در سر دارد.

مهر برای این دانش‌آموز شاید با یک کیف نو شروع شده باشد، اما پشت آن، دست‌های بسیاری قرار دارد. دست‌های خیری که پول داده‌اند، تولیدکنندگانی که از محصول و وقت خود گذشته‌اند، افرادی که برای رساندن کمک‌ها اعتماد کرده‌اند و کسانی که تلاش کرده‌اند در تمام این مسیر، آبروی خانواده‌ها حفظ شود.

نیکنام در پایان خطاب به خیران می‌گوید: «معامله با خدا ضرر ندارد. دست دهنده داشته باشید و دست‌هایتان را نبندید. از هر دست بدهی، از همان دست خواهید گرفت.» وی در پایان به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند که مضمون آن بر برطرف کردن نیاز مؤمن و گشایش در کار او تأکید دارد. کار خیر، اگر فقط یک نیاز را برای یک روز برطرف کند، ممکن است فرد دوباره همان نیاز بر گردد، اما اگر در کنار آن «کرامت، تحصیل، مهارت، اشتغال و امید» قرار بگیرد، می‌تواند به فرصتی برای تغییر تبدیل شود. شاید به همین دلیل است که تجربه ۴۰ ساله نیکنام را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «خیر بودن فقط دست دهنده داشتن نیست، گاهی باید دستی را گرفت، بی‌آنکه صاحب آن دست احساس کند چیزی از عزتش کم شده است.» حالا در آستانه مهر، هر کیف، هر دفتر، هر جفت کفش و هر هزینه‌ای که برای تحصیل یک دانش‌آموز پرداخت می‌شود، می‌تواند بیش از یک کمک ساده باشد. می‌تواند پیامی باشد به کودکی که باید بداند فقر قرار نیست رؤیاهایش را از او بگیرد. شاید آن کودک سال‌ها بعد، وقتی خودش توان کمک کردن پیدا کرد، همان جمله امروز را به یاد بیاورد: «می‌خواهم بزرگ شوم و به مردم کمک کنم.» و به قول سعدی: «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد بار»